

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

## گردهم آئی سران اوپک در الجزایر و تعهدات ناشی از آن

سران دول عضو اوپک در گردهم آئی الجزایر متعهد شدند با در نظر گرفتن پیوند عضوی مبارزات سیاسی و اقتصادی در مسئله نفت به این ماده حیاتی نه از دید یک منبع کسب درآمد بلکه بعنوان حربه مؤثر بمنظور استیفای کامل حقوق ملی و پایان دادن به سلطه غارتگرانه انحصارات امپریالیستی نفت بنگرند .

سران اوپک متعهد شدند بمنظور طرد انحصارات عمده نفتی از مواضع غارتگرانه با لغو قرار داد های امتیازی و ملی کردن صنایع نفت اقدامات هماهنگی را انجام دهند .

دنباله در صفحه ۲

امپریالیستی که منعکس کننده خواسته های همه کشورهای در حال رشد باشد؛ بار دیگر به نمایش گذاشته شد . اهمیت اجلاسیه اوپک در الجزایر همچنین در آن بود که دول عضو را به اجرای تصمیماتی متعهد ساخت که به تقویت عمومی جبهه تولید کنندگان نفت و اصولاً فروشندگان مواد خام بیانجامد و موجب شود تا مبارزات سیاسی و اقتصادی که برای استقرار روابط برابر و عادلانه در بازار جهانی بین المللی درجهان سرمایه داری صورت میگیرد ، از هماهنگی و همبستگی بیشتر و کاملتر برخوردار باشد .

## اظهاریه هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره توطئه اخیر رژیم شاه علیه آزادیهای دموکراتیک

دیکنابری خون آشام ، جمد رشاد شاه که علیرغم رژیم ترور و اختناق و با وجود ادعاهای یشمار ، شکنجه ها و بازداشت های خود سرانه و جنایات فبیح سازمان امنیت نتوانسته است بر مقاومت دلیرانه میهن پرستان و آزادخواهان ایران غلبه کند اخیراً نقشه جدیدی برای جلوگیری از توسعه مبارزات مردم و اعتلاء جنبش رهائی بخش خلق مطرح ساخته است .

طرحی که شاه در ۱۱ اسفند ماه ۱۳۵۳ ضمن یک کنفرانس مطبوعاتی و رایو وی تلو بیرونی دایر با ایجاد سازمان سیاسی واحدی بجای احزاب درباری موجود عنوان نموده است ، در عین اینکه از سونی آشکارا شکست سیاست سیستم باصلاح دوحزبی رژیم را نشان میدهد از سوی دیگر حاکی از نقشه ویژه ای برای تشدید رژیم اختناق و ترور و کام برداری در جهت فاشیستی ساختن کامل حیات سیاسی کشور است .

در واقع اگر در گذشته شرکت در احزاب درباری جنبه اختیاری داشت ، اکنون رژیم در صدد برآمده است همه مردم ایران را با ترساندن از حبس و تبعید و دیگر عواقب اتهام توده های بودن و تهدید بدنام دسترسی بمشاغل دولتی و بیکاری بوزر سازمان امنیت و قدرت دولتی در سازمان واحدی جمع کند و از آن همچون وسیله ای برای تقویت فاشیسم و سلب هر چه بیشتر آزادیهای سیاسی استفاده نماید .

اظهارات شاه در کنفرانس مطبوعاتی ۱۱ اسفند گویاترین دلیل بر وجود چنین نقشه ای است . وی پس از آنکه پذیرش « نظام شاهنشاهی » اصول انقلاب ششم بهمین و قانون اساسی ! ، را بمنظور شرط لازم برای وارد شدن در سازمان واحد ضروری و اجباری میشمرد ، صریحاً تأکید میکند که : « مایاید صفوف ایرانیان را بخوبی روشن و تمیز از هم جدا بکنیم . همه هر شخص که به سن قانونی رأی دادن رسیده باشد باید از همین حالا ، از فردا ! حتماً وارد این تشکیلات سیاسی شود ، و سپس میافزاید :

« کسی که وارد این تشکیلات سیاسی نشود مؤمن به این سه اصل که من گفتم نباشد دو راه برایش وجود دارد : یا باک فرقی است متعلق به یک تشکیلات غیر قانونی یعنی باصلاح خودمان توده ای ... که جایش در زندان ایران است ، یا اگر بخواد فردا با کمال میل بدون اخذ حتی عارضی ، گذر نامه را در دست میگذارد و بهر جایی که دلش میخواهد برود یک کسی که توده ای نباشد ولی با این جریان هم عقیده ای نداشته باشد ، بشرطی که علناً و رسماً و بدون پرده بگوید من با این جریان موافق نیستم ولی ضد وطن هم نیستم ... او آزاد است در این مملکت اما توفعاتی دیگر نداشته باشد ... »

اظهارات شاه و اقداماتی که متعاقب آن از جانب مراجع مختلفه هیئت حاکمه بعمل میآید نشان میدهد که سخن تنها بر سر یک تغییر صوری در سازمان دو حزب درباری نیست ؛ بلکه رژیم شاه بدینوسیله کام تازه ای در راه تشدید اختناق و ترور و در جهت فاشیستی کردن کامل حیات سیاسی کشور برمیدارد .

در واقع اجبار در پذیرش رهبری بی چون و چرای شخص شاه ، اعمال خشن ترین ترور سیاسی علیه مخالفان رژیم ، تقویت عقاید عمومی و اجبار در تبعیت مطلق از سیاست شخص شاه ، متشکل ساختن اجباری همه قشرهای جامعه ایران بوسیله سازمان سیاسی واحد خلاصه نقشه تازه ای است که شاه برای تشدید محیط فتنه و ترور طرح نموده است ، نقشه ای که تحت هر پوشش و بهر شکل و عنوانی که متجلی شود در فرهنگ سیاسی جز بکار برتن اسلوب فاشیستی در سیستم حکومت داری نام دیگری نمیتواند داشته باشد .

بدینیهی است که طرح چنین نقشه ارتجاعی علیه مردم ایران آهم در زمانی که بشریت مترقی سی سالگی پیروزی بر فاشیسم را جشن میگیرد و رژیمهای فاشیستی یکی پس از دیگری در آرده و نیروی خاق فرو میریزند ، یک امر تصادفی نیست . این شاه با سیاست ضد دموکراتیک و ضد ملی رژیم شاه با مخالفت و مقاومت پیگیر مردم ایران مواجه است . طی دو سه سال اخیر ناراضی عمومی در نتیجه وخامت شرایط زندگی مردم شدت بی سابقه ای یافته است . قشر های تازه ای از توده های مردم ایران هر چه بیشتر علیه سیاست ترور و اختناق و سلب ابتدائی ترین آزادیهای اجتماعی و سیاسی مقاومت و مبارزه علیه رژیم پرمخیزند . تعقیب یک سیاست ضد ملی مبتنی بر هم پیمانی با امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی ، تشدید بی سابقه سیاست نظامیگری و خریدهای کلان اسلحه و بتراچ دادن درآمد نفت ، اتخاذ روش توسعه طلبانه و ماجراجویانه نسبت به کشورهای همسایه ، مداخله نظامی در عمان و لشکر کشی علیه میهن پرستان ظفار بیش از پیش خشم و نفرت عمومی را نسبت بشاه و رژیم او برانگیخته است .

در مواجهه با موج تازه مبارزات صنفی و سیاسی و ضد در برابر افکار عمومی مردم ایران است که شاه و گردانندگان رژیم یکبار دیگر به چاره جوئیهای ضد خلقی برخاسته اند . بیهوده نیست که شاه در کنفرانس مطبوعاتی اخیر خود نه تنها حزب توده ایران را مورد حمله و هجوم قرار میدهد بلکه برای نخستین بار به تهدید مخالفان غیر توده ای رژیم پرداخته آنها را از عواقب مخالفت با رژیم بر حذر میدارد .

در مواجهه با موج تازه مبارزات صنفی و سیاسی و ضد در برابر افکار عمومی مردم ایران است که شاه و گردانندگان رژیم یکبار دیگر به چاره جوئیهای ضد خلقی برخاسته اند . بیهوده نیست که شاه در کنفرانس مطبوعاتی اخیر خود نه تنها حزب توده ایران را مورد حمله و هجوم قرار میدهد بلکه برای نخستین بار به تهدید مخالفان غیر توده ای رژیم پرداخته آنها را از عواقب مخالفت با رژیم بر حذر میدارد .

صرف نظر از تضاد صریحی که میان آزادیهای مطرحه در قانون اساسی ایران در مورد آزادی عقاید و اجتماعات از یکسو و این نقشه سرباز خانه ای کردن حیات سیاسی از سوی دیگر وجود دارد ، اصولاً ادعای تسلیم بی قید و شرط به نظام شاهنشاهی ، یعنی همان نظامی که قانون اساسی ایران را پایمال ساخته و حتی سلطنت مشروطه را سلب است بدست فراموشی سپرده است ، خود بخود عقیده داشتن بقانون اساسی را از شرایط ورود بچنین سازمانی نفی میکند . در واقع چگونه ممکن است کسی جداً معتقد با اصول قانون اساسی ایران باشد و در عین حال سلطنت مستبدانه کتونی را که بر اساس خود کامگی شخص شاه و ترور افکار و عقاید سیاسی مردم

## دانشجویان و استادان دانشگاه

### متحداً علیه رژیم پلیسی در دانشگاه مبارزه میکنند

پلیس خشمگین ، درنده و در عین حال ناتوان ، در تلاش برای سرکوب تظاهرات دانشجویان ، این بار اشکارا به حمله به استادان دانشگاه نیز دست زد . زیرا اشغال و تعطیل دانشگاه ، ورود پلیس به سهای درس ، ضرب و جرح و توقیف بدون دلیل دانشجویان ، ناراضی و خشم و اعتراض استادان دانشگاه را نیز برانگیخته بود . در نتیجه پلیس به استادان دانشگاه نیز بی احترامی و توهین کرد ، برخی از آنها رامضروب و مجروح ساخت و از قرار چند نفری را نیز توقیف کرد . و این جریان بنوبه خود ناراضی و خشم و اعتراض استادان دانشگاه را تشدید کرد .

مطبوعات دولتی که در آغاز طبق معمول درباره وقایع دانشگاه سکوت کرده بودند تا افکار عمومی را از تظاهرات اعتراضی دانشجویان و اعمال وحشیانه پلیس بیخبر نگاهدارند ، وقتی با اعتراض استادان در دنباله صفحه ۲

تظاهرات امسال دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی ، بویژه در تهران بمناسبت ۱۶ آذر ، روز شهیدان دانشجو و قاضی را بدنبال داشته که حائز اهمیت خاصی است .

پلیس که برای پیشگیری ، قبل از ۱۶ آذر دانشگاه تهران را اشغال کرد وعده ای از دانشجویان را توقیف نمود ؛ نه فقط نوانست از تظاهرات دانشجویان بمناسبت ۱۶ آذر جلوگیری ؛ بلکه بدنبال این تظاهرات که منجر به زدو خورد بین پلیس و دانشجویان و مجروح شدن عده ای از دانشجویان ، توقیف تعداد جدیدی از دانشجویان ، اشغال و تعطیل برخی دیگر از دانشکدهها و مدارس عالی شد ، تظاهرات متعدد و جدیدی رخداد که هدف آن اعتراض به رژیم دیکتاتوری در ایران بطور اعم و رژیم پلیسی در دانشگاه بطور اخص ، اعتراض به اشغال و تعطیل دانشگاه و توقیف دانشجویان بود .

## نامه رودنی آریسمندی دبیر اول حزب کمونیست اوروگوئه به دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیق ایرج اسکندری رفیق گرامی !

سیاسگراری عمیق خود را بشما و کمیته مرکزی حزب توده ایران در قبال پشتیبانی و همبستگی دائمی شما طی مدتی که من در زندان رژیم دیکتاتوری فاشیستی اوروگوئه بازداشت بودم تقدیم میدارم . همبستگی انترناسیونالیستی برهبری اتحاد شوروی با شرکت جامعه کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی همراه با مبارزه فعال حزب کمونیست ، طبقه کارگر و همه خلق اوروگوئه عامل اصلی آزادی من از زندان بود . البته همبستگی احزاب کمونیست و کارگری دنباله در صفحه ۲

## لایحه تأمین اجتماعی منعکس کننده خواسته های زحمتکشانیست

لایحه ۱۱۵ ماده ای تأمین اجتماعی که پس از استرداد لایحه بیمه های اجتماعی کارگران مجلس داده شده و اینک در شور و بررسی کمیسیونهای مربوطه قرار دارد منعکس کننده خواسته های کارگر است . این لایحه مورد اعتراض کارگران است و علیرغم نام و عنوانی که به آن داده شده بیمه های اجتماعی دیگر طبقات و قشرهای زحمتکش را تأمین نمیکند . لایحه همچنین بخواسته هایی که کارگران در مورد بیمه داشته و از سالها به اینطرف مطرح و برای قانونی کردن آن مبارزه میکنند پاسخ نمیدهد . لایحه تأمین اجتماعی در مقایسه با حقوقی که کارگران تا کنون در اثر مبارزات طولانی خود در زمینه بیمه بدست آورده اند نلمی است به عقب . خواست کارگران در مورد بیمه های اجتماعی دنباله در صفحه ۲

نویسندگان و کارکنان « مردم » نوروز کهن و جشن بهاری را به همه هموطنان عزیز ، هواداران و رفقای حزبی که در شرایط دشوار کنونی پرچم مبارزه را بر دوش گرفته اند صمیمانه تبریک میگویند . سالی که گذشت از یکسو نمودار تشدید مبارزات مردم علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک و از سوی دیگر بیانگر نگرانیها و دشواریهای بی شمار زندگی میلیونها زحمتکش میهن ما بود . باشد که همبستگی مبارزان و بسط مبارزات مردم روزرهایی را نزدیک کند ، عید را بر همه خانه ها باز آورد و شادی را در همه دلها بنشاند .

اعلامیه شورای جهانی صلح

برای همبستگی با خلق عمان علیه گسترش دخالت نظامی ایران

دخالت نظامی ایران در ماههای اخیر در عمان و خلیج برای کمک رژیم ارتجاعی فئودالی در مسقط فزونی گرفته و هدف آن سرکوب جنبش انقلابی خلق عمان زیر رهبری جبهه خلقی آزادی عمان است. هدف از تمرکز نیروهای ایران در عمان اقدام بیگ حمله نظامی برای تصرف و یاک کردن منطقه غربی قطار است.

مقامات حاکمه در عمان دست به توقیف ها و اعدامهای علیه خلق عمان که در شرایط بسیار دشواری برای استقلال واقعی ملی، دموکراسی، آزادی و صلح مبارزه میکنند زده اند.

شورای جهانی صلح از نیروهای ترغیبخواه و دوستداران صلح خواستار است که هر چه زود تر به پشتیبانی و یاری جنبش آزادی خلق عمان برای خروج فوری نیروهای ایران از عمان و برای متوقف کردن حمله تهدید آمیز و انتقامی نیروهای ایران بشتابند.

دفترخانه شورای جهانی صلح هلسینکی - ژانویه ۱۹۷۵

لایحه تأمین اجتماعی

و شمه آن بر همه طبقات زحمتکش آن بود که اولاً کارگر کشاورزی و کارگران کارگاههای خانوادگی جزو کارگران بشمار آید و بیمه های اجتماعی کارگران شامل حال آنان گردد. ثانیاً قانون بیمه های اجتماعی روستائیان با در نظر گرفتن شرایط خاص کار و زندگی توده دهقانان زحمتکش تکمیل و تقویت کار و زندگی شود. ثالثاً بیمه های موجود در باره کارگران تکمیل و ساهت و مساعدت در بیمه های درمانی و بهداشتی از کار افتادگی و بازنشستگی و دیگر مزایایی که به بیمه شده تعاقب میگردد برخوردار گردند و حق نظارت مؤثر خود را بر سازمانی که متعلق به آنهاست بازبایند. لایحه تأمین اجتماعی به هیچیک از این خواستهها پاسخ نداده است. در حالیکه در مقدمه لایحه وعده داده شده است همه طبقات و قشر های مزد بگیر و دریافت کنندگان حقوق و حتی صاحبان حرف و مشاغل آزاد از مزایای بیمه برخوردار خواهند شد. در متن لایحه انجام توأم طبقات و قشر هایی که تا بحال بیمه شامل حال آنان نبوده به تصویب قوانین و مقررات خاص دیگر موصول شده است. ظاهراً سوچ بودن وعده موصول بیمه بر همه طبقات و قشرها، که بهانه تملیح حقوق کارگران قرار گرفته از پیش بر خود مسئولان بیم کنندگان لایحه معلوم بوده است. بهمین جهت آنها ضمن آنکه ابتدایی لایحه چنین وعده های بالا بلندی داده اند در متن لایحه يك يك این وعده ها را پس گرفته اند.

اما آنچه به کارگران مربوط میشود اینست که خواست آنان در مشول لایحه بیمه های اجتماعی بر کارگران کشاورزی و مزد بگیران کارگاههای دستی و خانوادگی مانند سابق نادیده گرفته شده است. بیجا است یادآور شویم که خواست مشول قانون کار و بیمه های اجتماعی به کارگاههای خانوادگی از مطالباتی بود که در کنگره زنان که بمناسبت سال بین المللی زن در ۱۴ دیماه ۱۳۵۳ در تهران برگزار شد و شاه نیز در آن حضور داشت رسماً عنوان گردید. همچنین لازمت یادآوری شود که طلب برخورداری از بیمه بیکاری ساهت از جانب کارگران مطرح شده و برای تحقق آن مبارزه میشود. با اینصالح لایحه تأمین اجتماعی تحقق این خواست را به تصویب قانون جداگانه ای موقوف نموده است. (تصرفه ۲ از ماده ۳ لایحه تأمین اجتماعی)

نقض حقوق کارگران در لایحه تأمین اجتماعی به موارد عام محدود نمیشود. در مسائلی که با جزئیات امر بیمه کارگران نیز ارتباط دارد لایحه نه تنها نظر و خواست کارگران را تأمین نمیکند بلکه در مقایسه با قانون موجود و لایحه ای که از مجلس پس گرفته شد گامی است به عقب. تردید نیست که کارگران ایران مبارزه خود را برای به کرسی نشاندن خواستههای خویش تا پایان ادامه خواهند داد. م. کارگر

يك گروه «چپ» آفریده سازمان امنیت امریکا (اف.بی.ئی. آی.)

بنا بر خبری که یونانیان پرس و آژانس فرانس پرس داده اند، شخصی بنام «جوزف بارتن» به روزنامه نیویورک تایمز اطلاع داده است که علاوه بر مأموریت های جاسوسی که در کانادا انجام داده، این مأموریت نیز به او محول شده است. ده يك گروه «چپ» تحت عنوان «کادر های مارکسیست - لنینیست ستاره سرخ» تشکیل دهد و بوسیله آنها هم در سازمانهای چپ درون کشور و هم در مقیاس جهانی رخنه کند. «بارتن» این وظیفه را از ژانویه سال ۱۹۷۲ تا ژوئیه سال ۱۹۷۴ انجام داده است. سازمان امنیت امریکا این نکته را تصدیق کرده است که «بارتن» یک خبرچین حقوق بگیر بوده است که طی این دوران داوطلبانه اطلاعاتی در اختیار آن میگذاشته است ولی از توضیح بیشتر در باره چگونگی فعالیت این شخص خود داری موزر.

يك زن ۳۶ ساله ساکن نیو اورلئان نیز به نیویورک تایمز، اطلاع داده است که در انجام چند مأموریت در خارج از امریکا با «بارتن» همکاری داشته است. این زن در سال ۱۹۷۱ قبل از سفر نیکسون رئیس جمهور پیشین امریکا به یکن بدستور سازمان امنیت امریکا به عنوان عضو یکی از هیئتهای نمایندگی عناصر «چپ» امریکا به چین رفت و مورد پذیرایی چوئن لای قرار گرفت.

دانشجویان و استادان دانشگاه

دانشگاه نیز روبرو شدند بدستور ساواک سکوت را شکستند و ضمن حمله معمولی خود به دانشجویان «کازار» «ماجرانو» «اخلاکگر» و «تبل» «کارزار» بیسابقه ای را علیه استادان دانشگاه برپا انداختند. در این کارزار رنگین ساواک میکوشد مسأولیت اشغال و تملیل دانشگاه، نقض حرمت مراکز عالی آموزشی، واکنش خشونت آمیز پلیس و ضرب و جرح و توقیف دانشجویان و استادان را نه فقط مانند همیشه بگیرد، دانشجویان بیندازد و بوسیله روزنامه هایی از قبیل کیهان آنها را مطهم کند که «بلوا راه میاندازند تا نمره مفت بگیرند» بلکه ساواک این بار «مشولان مراکز آموزشی» را نیز در این آشوب «مسئول میداند که گویا» باز هم بقول روزنامه کیهان «تروجیح دادند بجای پرداختن به وظایف ومسئولیهایشان» تنها در اندیشه حفظ موقعیت اجتماعی و سیاسی و مالی خود باشند.

ولی این کارزار ساواک علیه دانشجویان و استادان دانشگاه بدون آنکه بتواند رژیم پلیسی را در دانشگاه توجیه کند، اعتراف ناگزیری است به آنچه که واقفاً در دانشگاهها و مدارس عالی میگردد. و این واقعیت چنین است: ساواک رژیم پلیسی بیسابقه ای را در مراکز عالی آموزشی برقرار ساخته است که منافی با استقلال و حرمت این مراکز و نقض بندهی ترین حقوق و آزادیهای دموکراتیک است. علیرغم این رژیم پلیسی ساواک نه فقط نتوانسته است جنبش دانشجویی را سرکوب کند، بلکه دامنه این جنبش هر روز بیشتر گسترش می یابد. ساواک این با تقییر مقررات استخدای دانشگاه امید داشت که بتواند استادان «نراحت» را از کار بر کنار کند و عناصر مطیع را بجای آنان بنشاند و بوسیله این عناصر دانشجویان را «ساکت» کند. در این زمینه هم با شکست رو بسرو شده است. استادان دانشگاه در دفاع از استقلال و حرمت مراکز عالی آموزشی، در اعتراض به رژیم پلیسی در دانشگاهها و مدارس عالی بیش از پیش با دانشجویان همصدا و همقدم میشوند.

بسخن دیگر اگر واقعیت دانشگاه از یکسو نشانه تشدید رژیم پلیسی است، از سوی دیگر بیابانگر و روشکست سیاست رژیم در بین محافل دانشگاهی، اعم از دانشجو و استاد و بازنشانی از کسترش مبارزه متحد دانشجویان و استادان علیه رژیم پلیسی در مراکز عالی آموزشی است. و این گسترش مبارزه متحد دانشجویان و استادان علیه رژیم پلیسی جهانی نورامید بخشی است که سرانجام بر ظلمت ارتجاع در دانشگاه غلبه خواهد کرد. م. اوشه

اظهاریه هیئت اجراییه کمیته مرکزی

حزب توده ایران وظیفه خود میداند که این نقشه ضد درصد ارتجاعی را در برابر افکار عمومی مردم ایران و جهان فاش سازد و با تمام نیروی خود علیه آن مبارزه کند. حزب توده ایران بر آنست که شرایط کنونی مبارزه متحد کلبه نیرو های ملی و دموکراتیک ایران را برای مقابله با اقدامات ضد دموکراتیک رژیم پیش از پیش ایجاب میکند. حزب توده ایران یکبار دیگر از همه سازمانها و گروههای ملی و دموکراتیک دعوت میکند برای مبارزه و عدل مشترک علیه اقدامات فاشیستی رژیم با حزب توده ایران همکاری نمایند. باید توانست رژیم را بشعایت و شهامت انقلابی بر پیشداوریها غلبه کرد، بتفرقه انکشان و مخالفان اتحاد نیرو ها را منفرد نمود و راه وحدت عمل و اتحاد را برای سرنگون نمودن رژیم ضد خلقی محمد رضا شاه هموار ساخت. حزب توده ایران اطمینان دارد که نقشه اسارت بار جدید رژیم شاه در برخورد با مبارزات توده های مردم ایران سرانجام با شکست مواجه خواهد شد.

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۲ اسفند ۱۳۵۳

گرد هم آئی سران اوپک

دهند و بویژه در طرد تسلط کارتل بین المللی هفت خواهران» از تسلط بر ذخایر، صنایع و بازرگانی جهانی نفت، که شرط عمده رهایی همه کشورهای نفتخیز از تسلط امپریالیسم و نو استعمار است، کوشا باشند. طبیعی است که اینگونه تصمیمات سران اوپک در گردهم آئی الجزایر از حمایت و پشتیبانی مال کشورهای نفت خیز در حال رشد برخوردار است. اکنون وقت آنست که تعهدات این اجلاس به بدون خنده و با پیگیری به اجرا در آید. دولتلهای مترقی و ملی در کشورهای نفت خیز، که قبل از گردهم آئی در الجزایر نیز در نفت سیاست قاطع و روشنی داشتند، پس از پایان این اجلاس به تصمیمات جدی را در جهت تسریع رهایی کشورهای خود از تسلط انحصارات غارتگر نفتی به اجرا گذاشته اند. رئیس جمهوری ونزوئلا، همانطور که در جریبان اجلاس سران در الجزایر اعلام داشت، قانون ملی شدن نفت ونزوئلا را تسلیم ستمی آن کشور خواهد نمود. در آکراد - کشور دیگر عضو اوپک - به منظور رفع عقب ماندگی قانون مترقی اصلاحات ارضی باجرا درمیآید و در جریان آن همه اراضی منجمله ثروتمانی نفتی کشور ملی میشود. حتی آن جناح از دول عضو اوپک که از آنها بعنوان جناح منعد نام برده میشد، پس از پایان اجلاس سران در الجزایر، تصمیمات مهمی در جهت ملی کردن کامل صنایع نفت اتخاذ می نماید. دولت کویت اطلاع داد که اقدامات تازه ای را برای ملی کردن کامل صنایع نفت انجام خواهد داد.

مقامات دولت ایران در گردهم آئی سران اوپک در الجزایر شرکت کرده و علناً و رسماً اجراء تصمیمات اجلاسیه عالی این سازمان را تصدیق نموده اند. در رأس تصمیماتی که باید در جهت اجرای تعهدات دولت ایران در قبال اوپک صورت گیرد، لغو قرارداد فروش نفت به کنسرسیوم قرار دارد که انعقاد آن در ۹ مرداد ۱۳۵۳ علیه منافع ملی کشور ما ایران و برخلاف منافع همه کشورهای نفتخیز انجام یافت. خواست لغو قرار داد فروش نفت به کنسرسیوم با حراحت تمام از جانب مردم ایران و نیروهای مترقی و ملی مطرح شده است. امپریالیسم امریکا و دیگر حامیان کارتل بین المللی نفت کشورهای نفتخیز را به تحریکات گوناگون، منجمله مداخله مسلحانه تهدید می نمایند و تقویت اوپک و جبهه مبارزه در این شرایط مستلزم اتخاذ تصمیم فوری در لغو قرارداد و احیاء واقعی قانون ملی شدن نفت است که هم اکنون مردم ایران ۲۴ - من سالگشت آن را برگزار میکنند. این امر که پس از اجلاس سران اوپک نیز همان سیاست نفتی حفظ مواضع امپریالیسم و کارتل بین المللی در نفت ایران ادامه داده میشود بیابانگر و استعصای رژیم و قبحانی آن با انحصار های نفتی

نامه رودنی آریسمندی

مانند حزب شما که در شرایط بسیار دشوار علیه امپریا ایسم و ارتجاع جهانی و رژیمهای مرتجع و دیکتاتوری کشور خویش مبارزه میکنید، در این همبستگی انترناسیونالیستی مقام ویژه ای دارد. همبستگی و پشتیبانی حزب شما و احزاب کمونیست کشورهای عربی که در کسیر مبارزه علیه امپریالیسم و تجاوز کاری اسرائیل هستند برای حزب کمونیست اوروگوئه پر ارج و ارزشمند است.

مبارزه حزب کمونیست اوروگوئه که بخشی از مبارزات خلفهای امریکای لاتین است ادامه دارد و تا پیروزی نهایی بر امپریالیسم، ارتجاع و فاشیسم ادامه خواهد یافت. این يك امر خطر انترناسیونالیستی است و بدینجهت همبستگی انترناسیونالیستی مبارز احزاب ما و مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی از و تالیف مشترک ملت. امروز که بیش از هر زمان جنبش همبستگی بین المللی نیرومند است باید کوشید تا مبدن پرستانی را که در زندانها بسر میبرند از بند آزاد ساخت. قبل از همه لاریز کورولان در شیلی، آرتورو مدان، فر اوروگوئه و زندانیان سیاسی در کشور های دیگر.

در اوروگوئه که جنبش نیرومند کارگران و توده های وسیع خلق بر رهبری کمونیستها وجود دارد، آزاد کردن صدها تن از زندانیان سیاسی و رهبران اتحادیهها و نمایندگان جنبشهای دموکراتیک مانند رفقا ژم پرز، ژرژ مازارویش، اوارو دورا و نیز ژنرال دموکرات لیبر سرگینی و سرهنگ دموکرات کارلوس ژورفیاتیک امکان پذیر است. پایه های سیاسی واجتماعی رژیم دیکتاتوری اوروگوئه بسیار ضعیف و متزلزل است ولی از جانب امپریالیسم پشتیبانی میشود. سیاست این رژیم دیکتاتوری، یعنی سیاست بیگردد و فشار و زندان و فریب از طرف تمام نیروهای مترقی و دموکراتیک جهان بسختی محکوم میشود.

در پایان کاسیبهای شما را در مبارزه دشوار در راه اجرای وظیفی که در برابر حزب توده ایران قرار گرفته و استحکام دوستی و همکاری نزدیک بین دو حزب برادرمان را از صمیم قلب آرزو میکنم.

موقفیت و بهروزی شخص شما و همه رفقای حزب را خواستارم

رودنی آریسمندی - مسکو - ۱۸ فوریه ۱۹۷۵

«مردم» را بخوانید و برای دوستان خود در داخل و خارج از کشور ارسال دارید.

رادیو پیک ایران را بشنوید!

رادیو پیک ایران همه روزه از ساعت ۶ تا ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ردف ۲۵ و ۲۶ و ۳۱ متر بزرگنمایی کردی، آذربایجانی و فارسی برنامه پخش میکند. تین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران مجدداً تکرار میگردد.

رادیو پیک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید!

چاپ دوم کتاب «چگونه فولاد آبدیده میشود» منتشر شد

امپریالیستی است - امری که مانع حل مسئله نفت بسود استیضای کامل حقوق ملی کشور ما است. م. جهانی